

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آذر درخشان
۰۳.۰۷.۰۹



مشاهدات و مشاجرات در تظاهرات ۲۸ ژوئن پاریس

دیروز یکشنبه از ساعت ۲ بعد از ظهر تظاهراتی از جانب تشکل مستقل ایرانیان در یکی از میدانی شهر پاریس برگزار شد، تا ساعت ۳ تعداد جمعیت به ۳۰۰ نفر رسید. ترکیبی از چهره های جوان، زنان و جوانان فرانسوی که غالب به توصیه همکلاسی های ایرانی شان آمده بودند. در میان این جمعیت افرادی دیده می شدند که به شکل اغراق آمیز کاملاً سبز پوش بودند. تعدادی نیز مچ بند سبز به دست خود بسته بودند.

از همان ابتدا که شروع به پخش اعلامیه و نشریه کردم، آقائی مودبانه به من نزدیک شد و گفت خوب می شد به خاطر همبستگی سبز می پوشیدید، با تعجب به او گفتم همبستگی با کی؟ گفت با مردم ایران! من هم با کمال مهربانی گفتم که من برای همبستگی با خودم و مردم ایران رنگ سرخ را انتخاب کرده ام. چون برای من رنگ سرخ رنگ دگرگونی کامل نظام موجود است و خواسته های اکثریت مردم در این روزها بسیار جلوتر از رنگ سبز موسوی است که می خواهد نظام اسلامی خمینی را احیاء کند. عصبانی شد، گفت او چنین چیزی نگفته است. ناچار شدم بگویم برای همبستگی با خودت و مردم ایران بهتر است سعی کنید واقعیت را خوب ببینید و برای یک بار هم که شده با خواندن بیانیه های موسوی حداقل به او هم وفادار باشید.

هم چنان که در حال گفتگو با چند زن بودم که می گفتند ما هم مخالف کل این نظام هستیم و روشن است که در این نظام هیچ تحول دمکراتیکی، نه با موسوی و نه با هیچکس دیگر که به این نظام وابسته است؛ به نفع هیچ یک از اقلیت و طبقات جامعه انجام نمی گیرد، ناگهان از بلندگو صدای محسن مخلص به گوشم رسید که سخنرانی می کرد، چند تن خمشگین در میانه جمعیت فریاد می زدند، خجالت بکش بازجوی جنایتکار، چرا اجازه می دهید چهره های بدنامی چون مخلص در نقش رهبر اپوزیسیون و صدای مردم ایران حرف بزنند.

خانم جوان بغل دستی از من پرسید این مخلص کیه گفتم این آقا سینمای ایدئولوژیک اسلامی را در ایران بنیانگذاری کرد، می گویند حتی بازجو بوده من این را نمی دانم اما می دانم برای ساختن فیلم هائی مانند "توبه نصح" علیه نیروهای مخالف نظام جمهوری اسلامی، با رؤسای زندان همکاری کرد به علاوه فیلم او را مرتباً در زندان های دهه ۶۰ برای شکستن روحیه زندانیان سیاسی نشان می دادند. چهره این زن جوان در هم رفت، گفت من این چیزها را نمی دانستم، هم چنان که مخلص حرف می زد و من در حال هوای دهه ۶۰ و کشتار زندانیان و نقش مخلص در این نظام مذهبی بودم، ناگهان یک توپ پارچه سبز به درازی دهها متر از بالای پله های ساختمان اپرای جدید پاریس به سوی ماشین بلندگو و سخنرانان کشیده شد.

حال نوبت هنری لوی است. فیلسوف دست راستی فرانسوی که به دلیل تمایلات صهیونیستی در میان افکار مترقی فرانسوی بسیار بدنام است، حضور وی موجب شد که تعداد زیادی از فرانسویان تظاهرات را ترک کنند وقتی از آنان دلیل عصبانیت شان را پرسیدم گفتند که تبلیغ شده بود این تظاهرات از طرف ایرانیان مستقل است اما کاملاً روشن است که از طرف جریان راست در قدرت سازماندهی و حمایت شده است و شما همگی فریب خورده اید. به او گفتم البته من از همان توپ پارچه سبز و حضور مخلص فهیمم که در این تظاهرات جریانی حاکم است که مستقل و سالم نیست گرچه دهها انسان شریف که امروز در اینجا گرد آمده اند با جان و دل می خواهند حامی مبارزات حق طلبانه مردم ایران باشند و از این ماجراهای پشت پرده بی خبرند.

هم چنان در میان جمعیتی که در حال چاق سلامتی و پیدا کردن دوستان بودند، گشت می زدم که به دختر و پسر جوانی برخوردم، بسیار صمیمانه اعلامیه و نشریه گرفتند. به من گفتند نشریه دانشجویی بذر را می شناسند و خودشان هم چپ هستند به آنها گفتم پس اینجا چکار می کنید، گفتند اینها به ما کمک زدند به ما نگفته بودند که قرار است تظاهرات "سبزه ها" باشد. (این روزها سبزه ها یعنی کسانی که می خواهند از میرحسین موسوی و خواسته های او در مقابل احمدی نژاد حمایت کنند). آنان پسر جوان فرانسوی از کنفدراسیون دانشجویان در پاریس را معرفی کردند وقتی ۲ اطلاعیه زنان هشت مارس به زبان فرانسه را در مورد "ندا" و اوضاع کنونی به او دادم بسیار استقبال کرد و گفت لطفاً به ای میل ما ارسال کنید تا ما تکثیر کنیم. آدرس به یکدیگر دادیم که در آینده فعالیت های مشترکی را انجام دهیم.

گرم گفتگو بودم که باز صدای هیاهو و درگیری از نزدیک به گوشم رسید کمی که جلوتر رفتم یکی از زنان فعال سیاسی پاریس را دیدم شعار به زبان فرانسوی «موسوی بهانه است، کل رژیم نشانه است» در قطع آ ۳ را محکم بالا گرفته بود، چند نفری به سوی وی حمله ور شده بودند و او را هل می دادند، صدای شعار بلندگو «نترسید نترسید ما همه با هم هستیم» نمی گذاشت بفهمم چرا به او حمله کرده اند. از پله های بالای اپرا هم چند مرد تنومند با پرچم سه رنگ شیر و خورشید عربده می کشیدند که یقه اشو بگیر بندازش بیرون! خودم را به او رساندم یکی از چهره های "جمهوریخواه" پاریس در حال مشاجره با او مرتب می گفت اگر این شعار را پائین نیاوری پلیس را صدا می کنم. خانمی برافروخته (نمی دانم از گرما یا از هیجان بود) نیز مرتب به او هجوم می آورد و می گفت خانم حق دارند اینجا فقط باید شعارهائی که مسئولین تظاهرات اعلام کرده اند را داد!

ناگهان دلم فرو ریخت یکی از فعالین افغانی تشکل هشت مارس نیز همراه من است و داشت اعلامیه پخش می کرد. نگران شدم که گیر یکی از این سلطنت طلبان و شوونیست های ایرانی بیفتد و در مقابل توهین و تحقیر آنان از کوره در رود. به سرعت او را پیدا کردم اما دیر شده بود برایم گفت که هنگام پخش اعلامیه در مورد قتل ندا به دست بسیجی ها، و توضیح نظراتش آقائی به او حمله می کند و می گوید شما افغانی ها باعث بدبختی ایران شده اید چرا بر نمی گردید بروید کشورتان!

پس از سخنرانی کریم لاهیجی و مخملباف بود که از بلندگو مرتب پخش می شد که این تظاهرات یک تظاهرات غیر سیاسی است. اینجا بود که گیج شدم. این تظاهرات شعارهای سیاسی عملاً در جهت خواسته های سیاسی مشخصی در چارچوب جمهوری اسلامی و میرحسین موسوی را می دهد، چرا می گوید این تظاهرات غیر سیاسی است. البته وقتی فریبکاری متد و روش کار باشد، حتی موقعی که خورشید در میانه آسمان است می توان گفت که نیمه شب است!

یکی دیگر از فعالین هشت مارس که اعلامیه هایش تمام شده بود، به سوی من آمد برای من هم تعداد کمی باقی مانده بود، تقاضا برای اعلامیه به زبان فرانسه زیاد بود. برخی صمیمانه می گفتند ما چند نفریم یکی به ما بدهید کافی است. چند دختر و پسر جوان آدرس سایت گرفتند که روی سایت بروند و اعلامیه ها را بخوانند. آنها نیز می گفتند شعارهای مردم ایران را از رسانه ها هم شنیده ایم بسیار جلوتر و پیشروتر از این تظاهرات است.

به سوی جوانی می روم که به گوش و زبان و ابرو حلقه های کوچک فلزی آویزان کرده و مچ بند سبزی هم به مچ بسته، از او می پرسم فارسی بلدی می گوید بله، می گویم این نشریه بذر متعلق به جوانان دانشجوی چپ است و در مورد آینده و مبارزات کنونی نظرات و آلترناتیو دیگری را مطرح می کنند، می گوید اینها معتقد به سرنگونی هستند می گویم بله، می گوید نه من نمی خواهم چون من معتقد به اصلاحات هستم و نه سرنگونی. می گویم ولی در چارچوب یک حکومت دینی هیچ چیز را نمی شود اصلاح کرد چون قانون اساسی ما متکی بر شریعت است و حرف خدا را کسی حق ندارد عوض کند. می گوید اینها اسلام واقعی نیستند به هم ای میل رد و بدل می کنیم تا در مورد اسلامی واقعی بیشتر با یکدیگر گفتگو کنیم.

ساعت از ۳ بعدازظهر گذشته است تظاهرات شروع به حرکت می کند، جمعی در کنار ایستاده بودیم جمعی که آمده بودیم از این فرصت استفاده کرده با مردم گفتگو کنیم، نظرشان را بدانیم و نظرات خود را به آنان بگویم. از همان ابتداء روشن شد که این تظاهرات متعلق به یک نگاه و جریان خاص است جریانی که می خواهد در شعار و در روش همراه با موسوی "انقلاب اسلامی را احیاء کند". نوستالژی "شعار وحدت کلمه" سال ۵۷ که منظور وحدت با روحانیت به سرکردگی خمینی بود، در برخی از جریانات سیاسی و افرادی که سابقاً دستی در سیاست داشته اند اوج گرفته است، می گویند برای حفظ همبستگی با مردم ایران نباید شعار "سرنگونی بدهیم" مردم ایران سرنگونی نمی خواهند. مردم ایران برای اینان، جمع یک دستی شده بود که زیر توپ پارچه سبز این تظاهرات جا می شد.

صف شروع به حرکت کرد برخی ایستادند برخی با تردید به صف پیوستند، برخی دوستان خوب و شریفی که می شناختم و بسیاری دیگر که نمی شناختم نیز فقط با انگیزه همبستگی با مبارزات مردم به این صف پیوستند. هر چند مسؤلان و دست اندرکاران این تظاهرات با همه ابزار ممکن مهر همبستگی با جناحی از حاکمان جمهوری اسلامی علیه جناح دیگر را بر این تظاهرات حک کردند.

در پایان انتهای صف تظاهرات پرچم سبز بیرنگی نیز به چشم می خورد که در پشت آن جریاناتی چون "اتحاد کار" و دهها چهره ریز و درشت طیف توده ای اکثریتی و "جمهوری خواه" و برخی افراد سابقا چپ و برخی افراد سرشناس سیاسی از ملی گرا ها جمع شده بودند که با چهره های بشاش سرخ شده از هیجان و گرما می خواستند یک بار دیگر

شعار "فدائی، مجاهد" پیوندتان مبارک را تحقق بخشند. اما این تکرار تاریخ نمایشی درخشان از طنز بود. زیرا این فدائی در طی سی سال دگر دیسی، توده ای شده بود و "مجاهد" هم کسی چون حزب الهی دگر دیسی یافته محسن مخملباف نبود که در صف نخست تظاهرات قرار داشت و اینان دوان دوان به دنبال او روان بودند.

این تظاهرات نمایشی در چندین پرده از توهم، فریبکاری آگاهانه و زرنگی های رندانه بود. اما حسن حضور ما در آغاز این تجمع، روشن شدن این واقعیت مهم بود که بسیاری از مرم به خصوص جوانان که در اینگونه تظاهرات شرکت می کنند نه تنها اطلاعی از ماهیت گردانندگان آنها ندارند بلکه به محض اینکه از ماهیت اینان مطلع می شوند، ضدیت خود را با این جریانات نشان می دهند. این مسأله بار دیگر وظیفه ای را که بر دوش ما انقلابیون نسل قبلی است گوشزد می کند تا مرتبا حقایق تاریخی را برای نسل جوان بازگو کنیم. از طریق همراهی با موج سبز نمی توانیم وارد گفتگو با آنان در باره ماهیت این جریانات بشویم، وقتی جرأت کنیم کاملاً خلاف موج حرکت کنیم آنگاه قادر شده ایم کنجکاوای را در ذهن جوانان تشنه دانستن برانگیزیم، در این صورت نسل جوان قادر خواهد شد نه فقط تمایزات را ببیند بلکه آگاهانه بر پایه تمایزات واقعی دست به انتخاب سیاسی بزند. تظاهرات ایرانیان پاریس در روز یکشنبه، میناتور کوچکی بود از صحنه پر تناقض امروز جامعه ما که هرکس هر هنری دارد آن را به صحنه آورده است

۲۹ ژوئن ۲۰۰۹